

روابط بين الملل و  
سياست خارجى

# حکومت اسلامى

ابراهيم امينى

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيب اله العالمين  
ابى القاسم محمد صلى الله عليه وآله وسلم وعلى آله الطيبين الطاهرين.

قبل از ورود در بحث بايد اجمالاً به دو مطلب اشاره شود:  
مطلب اول: بحث سياست خارجى در اسلام طبعاً مبتنى است بر اينكه ما قبلاً پذيرفته باشيم كه اسلام در سياست دخالت كرده و نسبت به تأسيس حكومت و اداره امت اسلام و اجراى احكام و قوانين اجتماعى، نظر و دخالت دارد، البته اين موضوع در جاي خود بخوبى اثبات شده، و در اينجا ما نمى توانيم وارد آن بحث بشويم.

مطلب دوم: حکومت اسلامی یک حکومت مکتبی و عقیدتی است و بر جهان بینی مخصوصی استوار شده و طبعاً یک هدف الهی را باید تعقیب کند. حاکم شرعی اسلام و مسئولین حکومت اسلامی در انتخاب خط مشی کلی و تعیین سیاست داخلی و خارجی آزاد نیستند که برطبق دلخواه هر روشی را که خواستند انتخاب و تعقیب کنند. بلکه خط مشی را باید از وحی بگیرند و در محدوده قوانین و دستورات الهی قدم بردارند. و به عبارت روشن تر مسئولین حکومت اسلامی ابتداء باید بدانند که اسلام از آنها چه خواسته آنگاه در تحقق بخشیدن به خواسته های الهی تلاش کنند و برای رسیدن بدان هدف، سیاستهای داخلی و خارجی خویش را تنظیم نمایند. و در این مرحله نیز از راهنمائیهای شرع بهره مند گردند. البته لازم به یادآوری است که در طریق نیل به هدف هم، آزادی مطلق ندارند بلکه ناچارند در محدوده دستورات کلی شرع قدم بردارند، مثلاً در موضوع سیاست خارجی ابتدا باید این مطلب را روشن کنیم که آیا ما نسبت به مردم سایر کشورها مسئولیت و تعهدی داریم و اسلام از ما چیزی خواسته است یا نه؟ و اگر خواسته چیست؟ آیا ما بعنوان یک حکومت اسلامی در سایر کشورها هم تعهدات یا وظائف اسلامی داریم یا نه؟ و اگر داریم راه نیل به هدف چیست؟ باید ببینیم در ارتباط با کشورهای دیگر چه منظوری داریم؟ تا بفهمیم با چه کشوری رابطه برقرار سازیم و با چه کشوری نه؟ بدین منظور باید ابتدا به چند مطلب اشاره کرده و سپس به اثبات مقصد پردازیم:

رسالت جهانی پیامبر اسلام

پیامبر اسلام بر کافه مردم جهان مبعوث گشته و اسلام یک شریعت جهانی است، نه اقلیمی یا نژادی، یا قومی یا زبانی.

در قرآن می فرماید:

«يا ايها الناس اتي رسول الله اليكم جميعاً الذي له ملك السموات والارض لا اله الا هو يحيى ويميت فآمنوا بالله ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون»<sup>۱</sup>

(۱) ای مردم، من رسول خدا بر تمامی شما انسانها هستم، آن خدائی که فرمانروائی آسمان و زمین از آن اوست و هیچ خدائی جز او نیست، او زنده می کند و می میراند، پس به خدا و فرستاده اش (یعنی) پیامبر امی (درس نخوانده) ایمان بیاورید، به آن پیامبری که به خدا و سخنان او ایمان آورده است و او را متابعت کنید، شاید هدایت شوید. (اعراف - ۱۵۹)

«وما ارسلناك الا كافة للناس بشيراً ونذيراً»<sup>۱</sup>.

این دو آیه بالصراحه دلالت دارند که پیامبر اسلام بر کلیه مردم مبعوث گشته و برای همه ناس، بشیر و نذیر است.

و در بعض آیات تصریح شده که دین اسلام یک دین همگانی و جهانی است و سرانجام بر همه ادیان غلبه خواهد کرد.  
در قرآن می فرماید:

«هو الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون»<sup>۲</sup>.

و می فرماید:

«هو الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله وكفى بالله شهيداً»<sup>۳</sup>.

و در بعض آیات به مؤمنین وعده داده که سرانجام قدرت و اداره جهان بدست آنها خواهد افتاد و دین اسلام استوار و قدرتمند خواهد شد.  
در قرآن می فرماید:

«وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم انما يعبدونني لا يشركون بي شيئاً»<sup>۴</sup>.

(۱) وما (ای پیغمبر) ترا نفرستادیم جز برای اینکه عموم بشر را (به رحمت خدا) بشارت دهی و (از عذابش) بترسانی.

(سبا - ۲۸)

(۲) اوست خدائی که رسول خود (محمد مصطفی «ص»)) را با هدایت (ادله و حججی که انسان را به صراط مستقیم هدایت می کند) و دین حق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد، هر چند که مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند. (التوبة - ۳۳)

(۳) اوست خدائی که رسول خود (محمد بن عبدالله «ص»)) را با هدایت (ادله و حججی که انسان را به صراط مستقیم هدایت می کند) و دین حق فرستاد، تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد. و بر حقانیت این سخن، گواهی خدا کافی است. (الفتح - ۲۸)

(۴) خداوند به کسانی از شما بندگان که ایمان آورد و عمل صالح انجام داد، وعده داده است که آنان را در زمین خلافت دهد، همچنانکه امم صالح قبلی را جانشین پیشینیان خود کرد و دین آنها را، که خدا برای آنها پسندیده بود بر همه ادیان تمکین و تسلط بخشد، و به همه مؤمنین پس از خوف و اندیشه از دشمنان، امنیت کامل عطا کند (تا) مرا عبادت کرده و به من شرک نورزند. (النور - ۵۵)

و باز می فرماید:

«ونريد ان نمّن على الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم

الوارثين»<sup>۱</sup>.

از این آیات استفاده می شود که جهان، آینده درخشانی را در پیش دارد که مؤمنین و نیکوکاران قدرت جهان را قبضه می کنند و دین اسلام قدرت و سلطه می یابد و مردم بدون خوف و ترس، خدای را عبادت می نمایند و شرک ریشه کن می گردد.

تبلیغ و گسترش اسلام

البته دین اسلام خود بخود گسترش نیافته و نمی یابد بلکه نیاز به تبلیغ و جهاد دارد و این مسئولیت بزرگ ابتداء بردوش رسول خدا (ص) نهاده شده بود و در این راه کوشش می کرد.

خدا در قرآن می فرماید:

«ادع الى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي احسن»<sup>۲</sup>.

و باز می فرماید:

«فلذلك فادع واستقم كما امرت ولا تتبع اهوائهم»<sup>۳</sup>.

در این آیات پیامبر اسلام مأموریت می یابد که بوسیله حکمت و موعظه و حتی جدال احسن، مردم را به سوی اسلام دعوت کند و در انجام این مسئولیت بزرگ پایداری کرده و پیرو خواست مردم نباشد.

باز هم در قرآن می فرماید:

«يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله

---

(۱) و اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت نهاده و آنان را (در روی زمین) پیشوا و وارث (طاغوتیان) قرار دهیم.

(القصص - ۵)

(۲) (ای پیغمبر) مردم را با حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خدایت دعوت کن و با آنان (برخورد) وجه

مناظره کن. (النحل - ۱۲۵)

(۳) بدین سبب (ای رسول مردم را به اسلام و کلمه توحید) دعوت نما و همانطور که امر شدی استقامت کن و تابع هوا

و هوس آنان مباش. (الشوری - ۱۵)

يعصمك من الناس»<sup>۱</sup>.

و باز می فرماید:

«يا ايها المدثر قم فانذر وربك فكبر و نياك فطهر والرجز فاهجر»<sup>۲</sup>.

و باز می فرماید:

«لا يصدنك عن آيات الله بعد اذ انزلت اليك وادع الى ربك»<sup>۳</sup>.

در این آیات به پیامبر گفته می شود که آیات خدا را ابلاغ کن و نترس که خدا ترا حفظ می کند.

اگر به کتب تاریخ و سیره مراجعه کنید می بینید که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در تبلیغ اسلام و ارشاد و هدایت مردم و مبارزه با شرک و بت پرستی و گسترش توحید و خداپرستی چه تلاشها کرده است، در هر فرصتی برای تک تک مردم و جمعیتها سخن می گفت و با استدلال و برهان و پند و اندرز آنان را به اسلام دعوت می کرد، و گاهی به شهرها و قصبات مسافرت می کرد، بعضی مسلمانان را برای خواندن قرآن و ارشاد مردم به شهرها و دهات می فرستاد، به سران کشورهای دیگر و مردم آنها نامه می نوشت و به اسلام دعوتشان می کرد.<sup>۴</sup> و بوسیله تبلیغ و دعوت بود که اسلام تدریجاً گسترش یافت. نه تنها پیامبر اکرم در تبلیغ و ترویج اسلام مأموریت داشت بلکه این مسئولیت بزرگ بردوش آحاد مسلمین نیز نهاده شده است. خدا در قرآن می فرماید:

«قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انا ومن اتبعني و سبحان الله وما انا من المشركين»<sup>۵</sup>.

(۱) ای پیامبر، آنچه را که از سوی خدا بر تو نازل شده به مردم برسان و اگر نرسانی، رسالت او را ابلاغ نکرده ای و «الله» ترا (از شر) مردم حفظ می کند. (المائدة - ۶۷)

گرچه آیه مذکور در حجة الوداع و درباره نصب حضرت علی علیه السلام به خلافت نازل شده است، لیکن مفسرین عقیده دارند که شأن نزول اسباب تخصیص نمی شود و لذا می توان گفت که اصل عمومیت دلالت آیه برجای خود باقی است.

(۲) ای (پیامبر) کسی که خود را به گلبم پیچیده ای، بر خیز و (مردم را از عذاب الهی) بترسان و پروردگارت را به بزرگی یاد کن و لباس را پاکیزه دار و از ناپاکی (و بت پرستان) دوری کن. (المدثر - ۱-۵)

(۳) و ترا (کافران) از (تبلیغ و یادآوری) آیات الهی، پس از آنکه بر تو نازل گردید، باز ندارند و مردم را به سوی خدا دعوت کن. (القصص - ۸۷)

(۴) الترتیب الاداریة، ج ۱ ص ۱۹۴.

(۵) (یوسف - ۱۰۸).

به پیامبر خطاب می شود که به مردم بگوراه من اینست: با بصیرت و آگاهی مردم را به سوی خدا دعوت می کنم و پیروانم نیز همین عمل را تداوم خواهند داد. مسلمانان چه در زمان رسول خدا و چه بعد از آن، تبلیغ دین و گسترش اسلام را وظیفه شرعی خویش می دانستند و در ادای این مسئولیت الهی چه سختیها کشیدند و چه شکنجه ها و زندانها و قتلها دیدند. و اگر تلاش مسلمین نبود هرگز اسلام بدین پیروزی نمی رسید.

دعوت به خیر، یک وظیفه همگانی

اصولاً قرآن دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر را یکی از وظائف امت اسلام قرار داده و می فرماید:

«ولتكن منكم امة يدعون الى الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر اولئك

هم المفلحون»<sup>۱</sup>.

و می فرماید:

«كنتم خير امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر و تؤمنون

بالله»<sup>۲</sup>.

و معلوم است که دعوت و تبلیغ اسلام یکی از مراحل امر بمعروف و نهی از منکر می باشد.

تبلیغ و گسترش اسلام یک وظیفه حکومت اسلامی است

بنابراین یکی از وظائف بزرگی که بر دوش مسلمین نهاده شده، تبلیغ و ترویج دین و گسترش توحید و خداپرستی و مبارزه با شرک و کفر و مادیگری می باشد. و در هر کشوری که حکومت اسلامی برقرار شد موظف است در این باره تلاش کند و به هر طریق ممکن در گسترش اسلام در سایر کشورها جدیت نماید.

(۱) و باید گروهی از شما، مردم را به خیر و صلاح دعوت کنند و آنان را به نیکوکاری امر و از منکر نهی نمایند و اینان هستند که رستگاری باشند. (آل عمران - ۱۰۴)

(۲) شما بهترین امتی بودید که انتخاب شدید برای مردم، چون آنها را امر بمعروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان می آورید. (آل عمران - ۱۱۰)

واین یکی از وظائف رسمی دولت اسلامی بشمار می رود و در رأس برنامه هایش باید قرار گیرد، به وسیله رادیو و تلویزیون باشد یا مجلات و روزنامه ها یا ارسال کتب اسلامی یا اعزام مبلغ یا تبادلات فرهنگی و علمی یا به هر طریق دیگر. یک دولت اسلامی نمی تواند نسبت به این امر مهم و حساس کوتاهی کند، و این برنامه بخشی از سیاست خارجی حکومت اسلامی را ترسیم می نماید.

### مبارزه با ظلم و استکبار

دومین وظیفه ای که بر عهده مسلمین نهاده شده مبارزه با ظلم، استکبار و فساد و دفاع از محرومین و مستضعفین وسیعی برای اجرای عدالت اجتماعی می باشد. خدا در قرآن کریم می فرماید:

«يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين لله شهداء بالقسط ولا يجرمنكم شنآن قوم على الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوى واتقوا الله ان الله خبير بما تعملون»<sup>۱</sup>  
و می فرماید:

«لقد ارسلنا رسلنا بالبينات وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأس شديد ومنافع للناس وليعلم الله من ينصره ورسله بالغيب ان الله قوي عزيز»<sup>۲</sup>  
و می فرماید:

«يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين بالقسط شهداء لله»<sup>۳</sup>.

در این آیات از مؤمنین خواسته شده که بر پا دارنده قسط و داد باشند و در این راه از هیچ نیروئی نهراسند و اصولاً یکی از اهداف بعثت انبیاء هم برقرار ساختن عدالت

---

(۱) ای اهل ایمان در راه خدا پایدار و استوار بوده و گواه عدالت و راستی و درستی باشید و عداوت گروهی نباید شما را بر آن بدارد که عدالت نکنید، عدالت کنید که عدل (از هر عمل دیگر) به تقوا نزدیکتر است، و از خدا بترسید که خدا به هر چه می کنید آگاه است. (المائدة - ۸)

(۲) همانا پیغمبران خود را با بینات (ادله و معجزات) فرستادیم و با آنان کتاب و میزان نازل کردیم، تا مردم، قسط و عدالت پیشه کنند و آهن را که در آن سختی و صلابت هست و منافی (نیز) برای مردم دارد نازل کردیم تا معلوم گردد چه کسی خدا و رسولش را در غیب (با ایمان قلبی) یاری می کند و خدا بسیار قوی و بی نیاز است. (الحديد - ۲۵)

(۳) ای اهل ایمان در راه قسط و عدالت پایدار و استوار بوده و برای «الله» شاهد و گواه باشید. (النساء - ۱۳۵)

اجتماعی بوده است و برای رسیدن بدین هدف بزرگ حتی از نیروی حدید (سلاح) هم باید استفاده نمایند، مسلمانان موظفند برای دفاع از محرومین و مستضعفین جهان به هر اقدامی دست بزنند و در نهایت اگر جز جنگ راه دیگری نبود وارد قتال و جهاد شوند.

خدا در قرآن می فرماید:

«والمکم لا تقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال والنساء والولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها واجعل لنا من لدنک ولیاً واجعل لنا من لدنک نصیراً۔ الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفاً»<sup>۱</sup>.

در این آیه، قتال برای نجات مستضعفین به عنوان یک فضیلت انسانی معرفی شده که عقول انسانهای بیدار به وجوب آن گواهی می دهند. و قتال در راه خدا از علائم ایمان و قتال در راه طاغوت از علائم کفر بشمار رفته است.

باز هم خدا در قرآن می فرماید:

«وقاتلوهم حتی لا تكون فتنة ویكون الدین لله»<sup>۲</sup>.

در این آیه نیز به مسلمین مأموریت داده می شود که آن قدر قتال و جهاد کنند تا فساد از زمین ریشه کن گردد و دین مخصوص خدا شود، بنابراین تا فساد و فتنه در زمین وجود دارد مسلمین نمی توانند آرام بگیرند.

چنانکه ملاحظه می فرمائید قرآن وظیفه بسیار سنگین و دشواری را بردوش مسلمین نهاده که برای مبارزه با ظلم و فساد و استعمار و استکبار و دفاع از محرومین و مستضعفین و برقرار ساختن حکومت عدل الهی باید تا سرحد توان بکوشند و جهاد کنند، به هر طریق

(۱) چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند پیکار نمی کنید؟ همان افراد (ستم دیده ای) که می گویند: خدایا ما را از این شهر (مکه) که اهلس ستمگرند بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرستی قرار بده و از برای ما از طرف خود یار و یابوری تعیین فرما. آنگاه آنهایی که ایمان دارند در راه خدا پیکار می کنند و آنهایی که کافرند در راه طاغوت (و افراد طغیانگر) پیکار می کنند، پس شما با یاران شیطان پیکار کنید (و از آنها نهراسید) زیرا نقشه شیطان (همانند قدرتش) ضعیف است. (النساء - ۷۶-۷۵)

(۲) و با آنها پیکار کنید تا فتنه ای باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد. (بقره - ۱۹۳)



ممکن، از راه تبلیغ و بیدار ساختن محرومین، از راه پند و اندرز، از راه افشاگری ستمکاران و مستکبران، از راه تهدید و ارباب، از راه دیپلماسی و اعمال سیاست، از راه حمایت از نهضت‌های رهایی بخش، و در نهایت جنگ و قتال در صورت امکان. تا فساد و فتنه و ظلم و استکبار و استعمار در جهان است مسلمانان و حکومت اسلامی باید مبارزه کنند، چه در داخل کشور، چه در خارج کشور و در تنظیم سیاست‌های خارجی باید این رسالت بزرگ الهی را منظور داشته باشند و بهترین شیوه را برای رسیدن به آن انتخاب نمایند. که نسبت به کشورها و شرائط و اوضاع و زمانها تفاوت خواهد داشت. ولی هدف هیچگاه نباید فراموش شود و دولت اسلامی باید آنچنان رفتار کند که در جهان به عنوان سمبل مبارزه با ستمگری و استکبار و کفر و ماد دیگری و حامی محرومین و مستضعفین و پرچمدار هدایت و توحید و دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، شناخته شود. و به عنوان یک امت وسط، رهبری نهضت‌های رهایی بخش را در جهان برعهده بگیرد. و در تمام شئون و کمالات مادی و معنوی الگوی جهانیان باشد.

استقلال امت اسلام و رابطه اش با کشورهای کفر

این بخش را در ضمن چند مطلب بررسی می کنیم:

وحدت امت اسلامی

اسلام همه مسلمین را یک امت می داند.

در قرآن می فرماید:

«وَأَنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ»<sup>۱</sup>

و می فرماید:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ

شُهَدَاءَ»<sup>۲</sup>.

(۱) همانا این امت شما، امت واحدی است و من پروردگار شما هستم از (مخالفت فرمان) من بپرهیزید. (المؤمنون -

(۲) همانطور (که قبله شما یک قبله میانه است) خود شما را امت میانه‌ای (که از هر نظر در حد اعتدال در میان افراط

و تفریط می باشد) قرار دادیم تا امت نمونه‌ای در برابر مردم باشید و پیامبر هم فرد نمونه‌ای بعنوان شاهد در بین شما باشد. (البقره

ملاک و معیار وحدت مسلمین عقیده و ایمان است و مرزی جز اسلام ندارند و بهمین جهت اختلافات نژادی و قومی و زبانی و اقلیمی و شهری و دهاتی و غیره نمی تواند و نباید باعث تفرقه و جدایی شود. در بین مسلمین یک پیوند عمیق اسلامی برقرار است و همه به منزله یک پیکرند و همه برادرند، در قرآن می فرماید:

«انما المؤمنون اخوة»<sup>۱</sup>.

در اسلام، امتها نداریم بلکه همه یک امتند و یک هدف دارند که به سوی آن حرکت می کنند همه یک امتند و در برابر دشمن مشترک یعنی کفر و استکبار جهانی قرار دارند.

### اسلام یک نظام کامل و مستقل

اسلام یک آئین اعتقادی، عبادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بطور کلی یک نظام کامل است. دارای فرهنگی مستقل است که از وحی سرچشمه می گیرد. جهان بینی مخصوصی دارد که زیربنای تمام برنامه هایش می باشد و پرورش فضائل و کمالات انسانی را در رأس تمام برنامه ها قرار می دهد و تمام برنامه ها و طرحهایش را بر این اساس استوار می سازد.

اسلام فرهنگی غنی و مستقل دارد و جز بر وحی بر چیز دیگری تکیه نمی کند. در اثر عمل به این فرهنگ غنی و مستقل بود که مسلمین در آغاز اسلام، در جهان به تمدن و پیشرفتهای چشمگیری نائل آمدند، فرهنگ غنی اسلام در آغاز در سرزمین حجاز طلوع کرد و بر معیار احیای فضائل و کمالات انسانی امتی کوچک ولی مستقل و بسیار نیرومند بوجود آورد، سپس تدریجاً گسترش یافت و جوامع و افراد و نژادها و ملتها را به سوی خویش جذب نمود و چندی طول نکشید که نور و فروغش به دورترین نقاط گیتی تابیدن گرفت. برنامه های حیات بخش قرآن و استقلال فرهنگی آن، آنچنان نور و درخشندگی داشت که در هر نقطه ای طلوع می کرد در اعماق جانها نفوذ می کرد و همه را در آغوش گرم خویش پناه می داد. فرهنگ غنی و انسان ساز اسلام به پیروانش استقلال و آزادی بخشید بطوریکه

(۱) همانا مؤمنین برادر یکدیگرند (الحجرات - ۱۰)

تا سالیان دراز پرچمدار تمدن و علوم و فنون و هنر و معارف بودند و بسیاری از آثار هنری و علمی آنان هم اکنون در جهان باقی مانده است و همچنان تابنده است. اسلام در برنامه هایش تابع هیچ مکتبی نیست لذا پیروانش نیز نمی توانند از هیچ مکتبی جز اسلام تبعیت نمایند.

بنابراین، یک حکومت در صورتی می تواند حکومت اسلامی باشد که در حفظ استقلال امت واحد اسلامی کوشش کند و در طرحها و برنامه هایش جز از مکتب وحی الهام نگیرد. و سیاست داخلی و خارجی خودش را آنچنان تنظیم کند که امت واحد اسلامی را، در علم و صنعت و فرهنگ و اقتصاد و کشاورزی و نظامی از وابستگی به بیگانگان برهاند. خود فکر کنند و بر اساس مکتب اسلام طرح بریزند و خود تصمیم بگیرند و خود عمل کنند. بنابراین، حفظ استقلال و آزادی امت اسلام، در رأس برنامه های حکومت اسلامی قرار دارد که باید بر اساس آن سیاستهای داخلی و خارجی خودش را تنظیم کند و اگر برنامه اش جز این باشد حکومت اسلامی نخواهد بود.

### قرآن و کشف توطئه دشمنان

اسلام در باره استقلال امت اسلامی کاملاً عنایت داشته و بهمین منظور، راه نفوذ و سلطه جویی و دخالت کفار را در امور داخلی کشور اسلامی مسدود ساخته و دستورات مؤکدی در قرآن صادر شده است. ابتداءً مقاصد شوم و اهداف پلید و توطئه گریهای کفار را در طی آیاتی چند بیان کرده تا مسلمین فریب ظاهر سازیهای آنها را نخورند و بدانند در برابر چه افرادی قرار دارند. از باب نمونه به آیاتی اشاره می شود:

در قرآن می فرماید:

«ما یؤذ الذین کفروا من اهل الکتاب ولا المشرکین ان ینزل علیکم من خیر من ربکم واللّه یختص برحمته من یشاء واللّه ذوالفضل العظیم»<sup>۱</sup>.

و می فرماید:

«ان تمسککم حسنة تسوء هم وان تصبکم سیئة یفرحوا بها وان تصبروا وتقفوا لا

(۱) کافران از اهل کتاب و همچنین مشرکان دوست نمی دارند، خیر و برکتی از ناحیه خدا بر شما نازل گردد، در حالی که خداوند رحمت خود را به هر کس بخواهد، اختصاص می دهد و خدا صاحب بخشش و فضل و بزرگی است. (البقره - ۱۰۵)

بضرکم کیدهم شیئاً ان الله بما تعملون محیط.»<sup>۱</sup>

ومی فرماید:

«وَذَكِّرْ لَهُمْ مِنَ اهل الكتاب لو يردونكم من بعد ايمانكم كفاراً حسداً من عند انفسهم من بعد ما تبين لهم الحق فاعفوا واصفحوا حتى يأتي الله بأمره ان الله على كل شىء قدير.»<sup>۲</sup>

ومی فرماید:

«يا ايها الذين آمنوا ان تطيعوا فريقاً من الذين اوتوا الكتاب يردوكم بعد ايمانكم كافرين.»<sup>۳</sup>

ومی فرماید:

«يا ايها الذين آمنوا ان تطيعوا الذين كفروا يردوكم على اعقابكم فتنقلبوا خاسرين - بل الله مولىكم وهو خير الناصرين.»<sup>۴</sup>

ومی فرماید:

«فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم وجعلنا قلوبهم قاسية يحرفون الكلم عن مواضعه ونسوا حظاً مما ذكروا به ولا تزال تطلع على خائنة منهم الا قليلاً منهم فاعف عنهم واصفح ان الله يحب المحسنين.»<sup>۵</sup>

(۱) اگر نیکی به شما برسد ناراحت می شوند و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ بدهد، خوشحال می گردند و اگر (در برابر آنها) استقامت و پرهیزکاری پیشه کنید نقشه های (خائنه) آنها به شما زبانی نمی رساند، خداوند به آنچه آنها انجام می دهند احاطه دارد. (آل عمران - ۱۲۰)

(۲) بسیاری از اهل کتاب از روی حسد که در وجود آنها ریشه دوانیده، دوست می داشتند شما را بعد از اسلام و ایمان به حال سابق بازگردانند، با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده است، شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایند تا خداوند فرمان خودش را بفرستد خداوند بر هر چیزی تواناست. (البقره - ۱۰۹)

(۳) ای کسانی که ایمان آورده اید اگر از جمعی از اهل کتاب (که کارشان نفاق افکنی و شعله ور ساختن آتش کینه و عداوت در میان شماست) اطاعت کنید شما را پس از ایمان به کفر باز می گردانند. (آل عمران - ۱۰۰)

(۴) ای کسانی که ایمان آورده اید اگر از کسانی که کافر شده اند، اطاعت کنید شما را به عقب (و کفر و فساد) باز می گردانند و سرانجام زیانکار خواهید شد - (آنها تکیه گاه شما نیستند) بلکه تکیه گاه و سرپرست شما خداست و او بهترین پاوران است. (آل عمران - ۱۵۰ - ۱۴۹)

(۵) اما به خاطر پیمان شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم و دلهای آنها را سخت و سنگین نمودیم (تا آنها) (که) سخنان (خدا) را از مورد خودش تحریف می کنند و بخشی از آنچه را که به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند و همیشه به خیانتی (تازه) از آنها آگاه می شوی، مگر عده کمی از آنها، و لکن از آنها در گذر و صرف نظر کن که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد. (المائده - ۱۳)

ومی فرماید:

«ولن نرضی عنک الیهود ولا النصارى حتى تتبع ملتهم قل ان ھدی اللہ ھوالھدی  
ولئن اتبعت اھوائھم بعد الذی جاء ک من العلم مالک من اللہ من ولی ولا  
نصیر»<sup>۱</sup>.

ومی فرماید:

«کیف وان یظھروا علیکم لایرقبوا فیکم الاً ولا ذمۃ یرضونکم بافواھم وتأبى  
قلوبھم واكثرھم فاسقون - اشتروا بایات اللہ ثمناً قليلاً فصدوا عن سبیلہ انھم ساء  
ما کانوا یعملون - لایرقبون فی مؤمن الاً ولا ذمۃ واولئکھم الممعدون»<sup>۲</sup>.

ومی فرماید:

«ھا انتم اولاء تحبونھم ولا یحبونکم وتؤمنون بالکتاب کله واذا لقوکم قالوا آمنا  
واذا خلوا عضوا علیکم الا انامل من الغیظ قل موتوا بفیظکم ان اللہ علیم بذات  
الصدور»<sup>۳</sup>.

ومی فرماید:

«والذین کفروا بعضھم اولیاء بعض الاً تفعلوھ تکن فتنۃ فی الارض وفساد  
کبیر»<sup>۴</sup>.

- 
- (۱) هرگز یهود و نصارا از تو راضی نخواهند شد تا (بطور کامل تسلیم خواسته های نادرست آنها شوی) و از آئین (تعریف شده) آنان پیروی کنی و اگر از هوی و هوسهای آنها پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده ای، هیچ سر پرست و یاوروی از ناحیه خدا برای تو نخواهد بود. (البقره - ۱۲۰)
- (۲) چگونگی پیمانشان ارزش دارد) در حالی که اگر بر شما غالب شوند، نه ملاحظه خویشاوندی یا شما را می کنند و نه پیمان را، شما را با زبان خود خوشنود می کنند، ولی دل های آنها ابا دارد و اکثر آنها فاسق هستند - آنها آیات الهی را به بهای کمی فروختند و (مردم را) از راه اوباز داشتند، آنها اعمال بدی انجام می دهند - (نه تنها درباره شما) درباره هیچ فرد یا ایمانی رعایت خویشاوندی و پیمان را نمی کنند و آنها تجاوزکارانند. (التوبه - ۱۰ - ۹ - ۸)
- (۳) آگاه باشید شما کسانی هستید که آنها را دوست می دارید، اما آنها شما را دوست ندارند، در حالی که شما به همه کتابهای آسمانی ایمان دارید (اما آنها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند) و هنگامی که شما را ملاقات می کنند (به دروغ) می گویند ایمان آورده ایم، اما هنگامی که تنها می شوند از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می گزند، بگو: بمرید به سبب همین خشمی که دارید خدا از (اسرار) درون سینه ها آگاه است. (آل عمران - ۱۱۹)
- (۴) و آنها که کافر شدند اولیاء (یاوران و مدافعان) یکدیگرند، اگر (این دستور را) انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می دهد. (الانفال - ۷۳)

در این آیات از مقاصد شوم و اسرار دل و خصلت‌های ذاتی کفار خبر داده و به بعضی آنها اشاره کرده است:

- ۱ - کفار و مشرکین دوست ندارند که هیچگاه خیری بر شما نازل شود. اگر خیری به شما رسید غمگین می‌شوند و اگر بدی رسید خوشنود می‌گردند.
- ۲ - کفار بر شما حسد می‌ورزند و دوست دارند که شما را از دینتان برگردانند.
- ۳ - اگر از کفار اطاعت کنید شما را از دینتان خارج می‌سازند.
- ۴ - کفار نسبت به شما خیانت می‌ورزند و پیوسته بر خیانت‌های آنها واقف خواهی شد.

- ۵ - یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد جز اینکه پیرو دینشان شوی.
- ۶ - به عهد و پیمان‌شان اعتباری نیست و اگر بر شما مسلط شوند به عهد و پیمان‌شان وفادار نخواهند بود.

- ۷ - کفار هیچگاه شما را دوست نخواهند داشت گرچه شما آنها را دوست بدارید.

- ۸ - کفار در دشمنی با شما همدست و دوست می‌باشند و در این باره یکدیگر را یاری خواهند کرد.

خداوند متعال در این آیات از دشمنی و کینه ذاتی و خیانت و توطئه‌گریهای کفار خبر می‌دهد تا به مسلمین یادآور شود که چنین افرادی نمی‌توانند خیرخواه و دوست صمیمی شما باشند، از آنها در حذر باشید.

### نهی از ولایت با کفار

خداوند متعال چون عنایت مخصوصی به حفظ استقلال و موجودیت و آزادی امت اسلام دارد و از مقاصد شوم و توطئه‌های خطرناک کفار آگاه است، بعد از برشمردن پاره‌ای از اهداف شوم و خصائل ذاتی آنها، مسلمین را مخاطب قرار داده می‌گوید: یک چنین افرادی را دوست صمیمی و مورد اعتماد و خیرخواه خود ندانید اختیاراتتان را به آنها ندهید و پیرو تصمیماتشان نباشید و پیمان ولایت با آنها منعقد نسازید. از باب نمونه به آیاتی از قرآن اشاره می‌شود:

خداوند در قرآن می فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانة من دونکم لا یألونکم خیالاً واداما عنتم قد بدت البغضاء من افواههم وما تخفی صدورهم اکبر قد بینا لکم الآیات ان کنتم تعقلون»<sup>۱</sup>.

و می فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الیهود والنصارى بعضهم اولیاء بعض ومن یتولهم منکم فانه منهم ان الله لا یهدى القوم الظالمین»<sup>۲</sup>.

و می فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا ولعبا من الذین اوتوا الكتاب من قبلکم و الکفار اولیاء واتقوا الله ان کنتم مؤمنین»<sup>۳</sup>.

و می فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء تلقون الیهم بالمودة وقد کفروا بما جائکم من الحق»<sup>۴</sup>.

و می فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین اتریدون ان تجعلوا لله علیکم سلطاناً مبیناً»<sup>۵</sup>.

(۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از غیر مؤمنین برای خودتان دوست مورد اعتماد و محرم راز قرار ندهید که کفار در مورد ضربه زدن به شما از هیچ‌گونه امری کوتاهی نخواهند کرد. ضرر زدن به شما نهایت آرزوی آنها است. دشمنی با شما از ظاهر سخنانشان پیداست ولی آنچه در دل دارند بیشتر از اینهاست. ما آیات را برای شما بیان کردیم اگر عاقل باشید. (آل عمران - ۱۱۸)

(۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید یهود و نصاری را ولی و دوست و اختیاردار خود قرار ندهید که یهود و نصاری در دشمنی با شما دوست و مددکار یکدیگر هستند و هر کس از شما (مؤمنین) که با آنها پیمان دوستی ببندد از آنان خواهد بود و خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند. (المائدة - ۵۲)

(۳) ای مؤمنین، اهل کتاب و کفاری را که دین شما را به مسخره و بازیچه می‌گیرند، ولی و دوست صمیمی خود قرار ندهید، در این باره از خدا بترسید، اگر مؤمن هستید. (المائدة - ۵۷)

(۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و خودتان را ولی و دوست نگیرید شما با آنها مودت می‌ورزید در حالی که آنان به قرآنی که بر شما نازل شده کفر می‌ورزند. (الممتحنة - ۲)

(۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید در عوض مؤمنین، کفار را دوست خود قرار ندهید، آیا می‌خواهید برای خدا بر علیه خودتان حجت آشکاری قرار دهید. (النساء - ۱۴۴)

و می فرماید:

«يا ايها الذين آمنوا لا تتولوا قوما غضب الله عليهم قد يئسوا من الآخرة كما يئس الكفار من اصحاب القبور».<sup>۱</sup>

و می فرماید:

«لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين ومن يفعل ذلك فليس من الله في شيء الا ان تقوا منهم تقاة ويحذركم الله نفسه والى الله المصير».<sup>۲</sup>

در این آیات به بعض خصلتها و مقاصد شوم کفار علاوه بر آنچه قبلاً گذشت اشاره شده است.

۱ - کفار بدخواه شما هستند و در ضرر زدن به شما از هیچ کاری کوتاهی

نمی کنند.

۲ - دشمنی آنان با شما از گفتارشان پیدا است لیکن آنچه در دل دارند و اظهار

نمی کنند به مراتب بیشتر است.

۳ - کفار، دین شما را قبول ندارند و آن را به تمسخر و بازیچه می گیرند.

۴ - کفار، دشمن شما و دشمن خدا هستند و قرآن شما را قبول ندارند.

خداوند متعال در این آیات بعد از اینکه از بعض مقاصد شوم و دشمنی ذاتی کفار

نسبت به مسلمین پرده بر می دارد و به آنها گوشزد می کند که چنین افرادی خیرخواه و

دوست شما نیستند از مسلمین قاطعانه می خواهد که کفار را ولی و دوست و مدافع و محرم

اسرار خودتان قرار ندهید، به آنها اعتماد نکنید و با آنها پیمان دوستی و موادت منعقد

نسازید، از تصمیمات و اراده های آنها پیروی نکنید، به آنان اجازه ندهید تا برایتان طرح

بریزند و تصمیم بگیرند، در اداره امورتان مستقل و آزاد باشید و فریب مصلحت اندیشیها و

ظاهر سازیهای آنان را نخورید. آنقدر در این باره تأکید دارد که می گوید: هر مسلمانی

که با کفار پیمان دوستی و تولی منعقد سازد از جرگه مسلمین و امت حزب اله خارج

می گردد.

(۱) ای کسانی که ایمان آورده اید با کسانی که مورد غضب خدا قرار گرفته اند پیمان دوستی نبندید که آنها از آخرت

مأیوس گشته اند، چنانکه کفار از مردگان مأیوس هستند. (المنحنة - ۱۳)

(۲) مؤمنین، کفار را عوض مؤمنین و تلی خود قرار ندهند و هر کس ولایت با کفار را بپذیرد از مؤمنین و حزب الله

نمی باشد مگر اینکه از آنها بترسید و خدا شما را بیم می دهد و به سوی او بازگشت خواهید کرد. (آل عمران - ۲۸)



«ومن يفعل ذلك فليس من الله في شيء - ومن يتولهم منكم فانه منهم».

بلکه در بعض آیات ولایت با کفار را از علائم عدم ایمان می شمارد، در قرآن

می فرماید:

«ولو كانوا يؤمنون بالله والنبي وما انزل اليه ما اتخذوهم اولياء ولكن كثيراً منهم فاسقون»<sup>۱</sup>.

و می فرماید:

«لا تجد قوماً يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون من حاد الله ورسوله ولو كانوا آباءهم  
اوابنائهم او اخوانهم او عشيرتهم»<sup>۲</sup>.

این آیات سیاست خارجی حکومت اسلامی را در برابر کشورهای کفر بطور روشن تنظیم و ترسیم می کند و طرح روشنی را ارائه می دهد و قاطعانه از مسلمین می خواهد که استقلال و آزادی خودشان را حفظ کنند و به کفار و مشرکین اجازه ندهند تا در شئون داخلی آنها دخالت نمایند و پیمان ولایت و دوستی با آنان منعقد نسازند و فریب مصلحت اندیشیها و ظاهر سازیهای آنها را نخورند.

و بالجمله دولت اسلامی باید با کمال قدرت و توان در حفظ استقلال و آزادی خودش بکوشد و به کفار و مستکبرین اجازه نفوذ و دخالت در شئون داخلی را ندهد و از هرگونه پیمانی که باعث نفوذ و سلطه آنها می شود جداً بپرهیزد. و بهمین جهت قرآن بطور صریح و قاطع می فرماید:

«ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»<sup>۳</sup>.

ادامه دارد

(۱) و اگر به خدا و پیامبر (ص) و آنچه که بر او نازل شده، ایمان می آورند (هرگز) آنها را به دوستی اختیار نمی کردند، ولی بسیاری از آنها فاسقند. (المائدة - ۸۱)

(۲) ای رسول! هرگز قومی را که به خدا و رسولش ایمان آورده باشند، پیدا نمی کنی که با کسی که با خدا و با رسولش دشمنی می ورزد، دوستی کند و لو اینکه (این دشمنان خدا و رسول) پدران و یا فرزندان و یا برادران و یا عشییره آنها باشند. (المجادلة - ۲۲)

(۳) خدا راه نفوذ و سلطه ای را برای کافرین، در مؤمنین قرار نداده است. (النساء - ۱۴۱)